

ادامه از صفحه اول

فهم پوپولیستی از حرکت فرهنگی شهردار تهران

البته هر نوع انتقادی از نخبگان را نمی‌توان پوپولیسم نامید و بسیاری از جریان‌های فکری و اجتماعی هستند که به نخبگان سیاسی و اقتصادی انتقادهای جدی دارند اما پوپولیست نیستند. پوپولیست‌ها رویکردهایی را برای مدیریت و حل مشکلات جامعه مطرح می‌کنند که در برابر رویکردهای نخبگان است؛ از جمله اینکه تلاش می‌کنند اهداف خود را مستقل از نهادهای موجود مانند نهادهای سیاسی، دانشگاهی و تصمیم‌ساز و با فراخوان توده‌ها به پیش ببرند.

ویژگی دوم پوپولیست یارگیری از طبقات مختلف و تلاش برای انکار تنوع و تکثر در جامعه و گروه‌های اجتماعی است. آنها جامعه را توده یکسان و همسانی فرض می‌کنند و آنها را در برابر گروه اندکی از نخبگان قرار می‌دهند.

ویژگی سوم پوپولیست‌ها این است که از خشم و هیجان و احساسات مردم برای رسیدن به اهداف خود استفاده می‌کنند؛ مثلاً یک پوپولیست با ادعای عدالت‌گرایی از خشم مردم نسبت به تبعیض‌ها و بی‌عدالتی‌ها بهره می‌برد تا مخالفان خودش را متکسب کند و به عقب براند. بیشتر پوپولیست‌ها چارچوب فکری منسجمی ندارند و از هر ابزاری از جمله ملی‌گرایی برای تشکیل توده و تقابل آنها با نخبگان یا حتی مهاجران یا از مشکلات اقتصادی برای تقابل با رویکردهای محیط‌زیست‌گرا استفاده می‌کنند.

با توجه به این سه ویژگی، پیوستن شهردار تهران به سه‌شنبه‌ها بدون خودرو و استفاده از دوچرخه برای کاهش آلودگی، بهبود سلامت عمومی و... اصولاً نسبت به مشخصی یا پوپولیسم ندارد. هرچند در تفکر مقابل که از واژه‌ها به عنوان برجسب استفاده می‌کند، نمادهای پوپولیسم کاملاً قابل مشاهده است.

شاید منتقدان با استفاده از این برجسب درباره شهردار تهران قصد دارند بگویند که حاجی برای حل مشکل پیچیده ترافیک راه‌حل ساده‌بینانه و دمدستی معرفی می‌کند که در ظاهر هم جذاب است اما نمی‌تواند مشکل ترافیک را حل کند. شهردار تهران اما هیچ‌جا اعلام نکرده که فقط با پیوستن به سه‌شنبه‌های بدون خودرو و استفاده از دوچرخه مشکل ترافیک تهران حل می‌شود؛ این یعنی شروع حل مسئله، یعنی راهی قابل دسترس برای حل مشکلی بزرگ و پیچیده.

شاید منظور منتقدان این باشد که آقای حناچی به جای حل مشکلات اصلی تهران به کارهای تبلیغاتی و عامه‌پسند روی آورده است. سه‌شنبه‌های بدون خودرو در تهران اما یک پوشش و حرکت اجتماعی و فرهنگی است که مشابه آن در سراسر دنیا وجود دارد و اتفاقاً مدیران شهر در پیوستن به آنها پیش‌قدم هستند. از طرف دیگر کسی نمی‌تواند منکر شود که این نوع فرهنگ‌سازی‌ها به تبلیغات و حضور چهره‌ها نیاز دارد تا توجه مردم جلب شود و الگوهای رفتاری پایداری در آنها شکل بگیرد. حرکت آقای حناچی که همه به او «متخصص» می‌گویند هم در این راستاست و اگر جنبه تبلیغاتی هم دارد باید از این منظر به آن نگاه کرد.

از طرفی برخی به شهردار تهران توصیه کرده‌اند

به جای این نوع رفتارها صبح زود به دفترش برود و مشکل مترو را حل کند.

البته آقای حناچی برای حل مسائل مترو برنامه‌های خودشان را اعلام کرده‌اند و بهتر است از این طریق از شهردار مطالبه کرد. اما نباید فراموش کنیم حل مشکلات مردم به‌ویژه در مدیریت شهری با پشت‌میزنشینی صرف بدون جلب مشارکت مسئولان و مدیران در دنیای امروز ممکن نیست.

در واقع شهردار تهران با رفتن به سر کار

با دوچرخه در روز سه‌شنبه بدون خودرو از

شهروندان برای حل مشکلات ترافیک شهر دعوت

به مشارکت می‌کنند و به مرور این نوع مدیریت

می‌تواند برای سایر مشکلات و سایر حوزه‌ها

هم استفاده شود. نتیجه اینکه مشکل ترافیک و

آلودگی هوای تهران تنها با مشارکت مردم حل

نمی‌شود اما حضور و مشارکت آنها می‌تواند به

حل این مشکلات کمک کند.

شهردار تهران یا هر کلان‌شهری برای مردم جایگاهی ویژه نسبت به سایر مسئولان دارد و این به دلیل ارتباط مستقیم عملکرد شهرداری با زندگی روزمره شهروندان است. فهم و مواجهه بی‌طرفانه با حرکت آقای حناچی قطعاً موجب ارج‌نهادن به اقدام قابل توجه و پشروانه او خواهد شد.

حتی اگر طرف، آمریکا باشد

به‌نحوی‌که حتی اگر در کشور مقصد مشکلی وجود نداشته باشد، در موقع ترانزیت در فرودگاه‌های بین راه ممکن است برای افراد با اتهام واهی دزدیدن تحریم، مزاحمت ایجاد شود و شنیده‌ام که مجازات این موارد نیز حبس‌های بسیار سنگین نظیر ۲۰، ۳۰ و ۴۰ سال است. تدامی می‌شود داستان آن قاضی که حکم داد متهم را پنج هزار ضربه شلاق بزنند، محکوم گفت: «یا شلاق نخورده‌ای یا حساب سرت نمی‌شود». به‌هرحال به نظر می‌رسد کشورها باید درباره کرامت و حرمت مرزها و حقوق داخلی خود جدی‌تر باشند؛ حتی اگر طرف، آمریکا باشد. والله اعلم.

شرق: روز گذشته نشست «مبارزه با فساد در ایران، نظام‌مند یا موردی»

در دانشکده مدیریت دانشگاه تهران با حضور جمعی از استادان و پژوهشگران برجسته کشور برگزار شد. در این نشست، هریک از سخنرانان به بیان دیدگاه‌های خود درباره فساد در کشور پرداختند. در این همایش، علی ربیعی، وزیر سابق تعاون، کار و رفاه اجتماعی که به موضوع روش‌های کارآمدسازی مبارزه با فساد می‌پرداخت، تأکید کرد: کشورهایی که دموکراسی بالایی دارند یا دیکتاتوری صرف هستند، به‌مراتب از دموکراسی‌های صوری فساد کمتری دارند. در این همایش چهره‌های دیگری مانند محمد مالجو، پروانه سلحشوری، حسن محدثی، حسین راغفر، حسن عابدی جعفری و ارسبد و احمد حاجیانی نیز سخنرانی کردند.

راه‌حل مبارزه با فساد، گردش نخبگان است

حسن محدثی، استاد دانشگاه،وقتی از فساد صحبت می‌کنیم از یک رابطه دوسویه بین دولت به معنای عام و جامعه سخن می‌گوییم. نظریه‌ها درباره فساد را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد که یکی نظریه فساد بازتوزیعی و دیگری نظریه فساد استخراجی است. زمانی که جامعه نیرومند است، نظریه فساد بازتوزیعی مطرح می‌شود؛ به این معنا که نیرویی خارج از دولت به منابع دولتی دسترسی پیدا می‌کند و آن را بین خود یا شبکه‌ای از وابستگان خود تقسیم می‌کند. در بعضی کشورها که دولت ضعیف‌تری دارند، این نظریه مطرح است و مثلاً در کشور بنگلادش، فساد این‌چنینی است. در کشورهایی که دولت‌های نیرومندی دارند، نخبگان و صاحبان قدرت به منابع دولتی دسترسی دارند و از سوی دیگر تلاش می‌کنند منابع غیردولتی را نیز تصاحب کنند و آن را بین خود و وابستگان تقسیم می‌کنند. در کشورهایی که قدرت در آنها توزیع نشده است، این نظریه یعنی فساد استخراجی، معنادار می‌شود. در کشور ما که با مجموعه هسته‌ای از نخبگان مواجه هستیم و شاهد گردش نخبگان نیستیم، باید فساد را با این نظریه دوم بررسی کرد. در این سیستم‌ها، نوعی رباکاری سیستماتیک وجود دارد می‌توانند با تشکیل شبکه‌هایی، از منابع عمومی به شکلی استفاده کنند که می‌توانم از آن با تعبیر لقمه‌گیری یاد کنم. گاهی این لقمه‌گیری فراتر هم می‌رود و به سفره‌سازی می‌رسد و تصور می‌کنم در حال حاضر ما در این وضعیت هستیم. هر سیستمی که می‌خواهد آینده خودش را تضمین کند، باید از فداکردن خودش برای معدودی از نیروها صرف‌نظر کند و به شکل جدی موانع چرخش نخبگان را برطرف کند. برای اینکه چنین اتفاقی بیفتد، سیستم باید به سمت گشوده‌شدن پیش برود. همچنین نیازمند یک مجلس مستقل و کارآمد هستیم. باید به سمت آن برویم که حوزه‌های مختلف فعالیت، تخصصی شوند و نخبگان داخل نظام سیاسی احساس امنیت و خانه‌زادی نکنند و بداندند اگر درست عمل نکنند از گردونه خارج می‌شوند.

از گرجستان درس بگیریم

پروانه سلحشوری، نماینده مجلس شورای اسلامی، همان‌طور که آقای محدثی گفتند، چرخش نخبگان در کشور ما انجام نمی‌گیرد و شاهد هستیم با وجود قانونی که مجلس تصویب کرد، در صورت افرادی که سال‌ها در پست‌های مدیریتی بوده‌اند، مالیه هستند این خدود را را‌ها کنند و نه گمارندگان آنها میلی به تغییر این نیروها دارند و متأسفانه شاهد اماوگرهای مختلف در اجرای این قانون هستیم. درحالی‌که پارادایم غالب در تعاریف فساد، بر فساد دولتی یا عمومی متمرکز است و ادعا می‌شود با کوچک‌کردن دولت، فساد برطرف می‌شود؛ اما شواهد نشان می‌دهد جوامعی نیز که نسبت به کوچک‌سازی دولت و خصوصی‌سازی نیز اقدام کرده‌اند، هنوز با فساد گسترده دست‌و‌گریبان هستند. برای مثال روسیه با وجود خصوصی‌سازی و کوچک‌شدن دولت، رتبه ۱۳۵ را در شاخص فساد دارد که رتبه بسیار بدی است. در ایران نیز ما با مصادیق فساد مانند رانت‌خواری و لابی‌گری، اختلاس، عدم شفافیت و پاسخ‌گونیودن به جامعه، حق کمیسیون و پروسانت، خوشاندونلوازی و نوچه‌پروری و ارتشاهای عرفی‌شده روبه‌رو هستیم. گواشی که مسئول می‌پذیرند فساد سه‌هزارمیلیاردی و ۱۲هزارمیلیاردی داریم و گاهی جوری این اعداد و ارقام اعلام می‌شود که انکار درباره سه میلیون یا ۲ میلیون تومان صحبت می‌کنند، یا با مواردی مانند حقوق‌های نامتعارف، ارتشا در نهاده‌ا و سازمان‌ها، عزل و نصب‌های رفاقتی و سفارشی، فرار مالیاتی، توزیع اِزهای دولتی، انواع مافیای، از مافیای کنکور و فایان‌نامه گرفته‌تا مافیاهای دیگر روبه‌رو هستیم. دیگر بحث این نیست که فساد وجود دارد یا ندارد، بلکه مسئله این است که باید آن را درمان کرد و این امری می‌کند است. افزایش نظارت، افزایش شفافیت، آزادی مطبوعات و رسانه‌ها راهکارهای مبارزه با فساد هستند که در نمونه‌هایی مانند گرجستان به‌خوبی اجرا شده است. در این کشور از سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۰ حدود هزار مقام سیاسی و ۱۵ هزار نیروی پلیس این کشور دستگیر و اخراج شدند و هم‌زمان با آزادسازی مطبوعات

اقتصاد

در همایش «مبارزه با فساد در ایران، نظام‌مند یا موردی» مطرح شد

مبارزه نابرابر با فساد



و افزایش جدی شفافیت، شاهد بهبود چشمگیر رتبه گرجستان در شاخص فساد در این زمان بودیم.

فساد در ایران نمودی از تناقض ساختارهاست

محمد مالجو، اقتصاددان،فقدان نظارت، ضعف جامعه مدنی، فقدان فضای دموکراتیک درون دولت، عدم گردش سالم نخبگان و... همه و همه عواملی هستند که در طرف عرضه فساد اثر می‌گذارند؛ اما بحث من درباره طرف عرضه فساد نیست، بلکه می‌خواهم درباره طرف تقاضای فساد صحبت کنم. در واقع اگر فرصت‌های فسادآلود در دسترس برخی افراد قرار دارد، سؤال این است که این افراد تا چه حدی فسادپذیرند و تا چه اندازه فسادگریز. گمان می‌کنم در دهه‌های اخیر و پس از جنگ هشت‌ساله، نسبت فسادپذیران به فسادگریزان در کلیت جامعه ما، اعم از توده‌ها یا نخبگان، رو به افزایش گذاشته است. اگر بپرسید چرا چنین اتفاقی رخ داده است، پاسخ جامعی برای آن ندارم؛ اما جزئی از یک پاسخ جامع را می‌دانم و آن این است که در گذر دهه‌های اخیر، جامعه ما شاهد یک دگرگونی بسیار شدید در مشغولیت‌ها و دلمشغولی‌های خود بوده است. اگر سال‌های منتهی به انقلاب را به‌عنوان نقطه آغاز در نظر بگیریم و پایان جنگ را نیز به‌عنوان نقطه پایان، می‌توانیم بگوییم در آن بازه زمانی جمعیت بیشتری به مصلحت جمعی و آرمان عمومی دلمشغول بودند. از پایان جنگ تا امروز اما این دلمشغولی کم‌رنگ و کم‌رنگ‌تر شده

و تحقق و پیگیری منافع شخصی جایگزین آن شده است. مسیرهایی مانند ارتقای شغلی و مالی یا مفاهیم بی‌معنایی مانند کارآفرینی که به‌دنبال منافع شخصی هستند، پررنگ‌تر شده و در عوض کنش‌های جمعی در قالب تشکیل‌ها، سندیک‌ها، احزاب غریبوزی سیون و... ضعیف و ضعیف‌تر شده‌اند. اما اگر بخواهیم به دلایل آن بپردازیم، اگرچه پاسخ جامع آن را نمی‌دانم اما می‌دانم که آن پاسخ جامع شامل این سه جزء هم هست. در حوزه سیاست، نوع رویکرد عبارت از این‌ست بوده که اجازه م‌اشندن و تشکیل‌یابی به اغیار را نمی‌داده است. البته این اغیار هم در گذر زمان تغییر کرده و ممکن است کسانی که امروز اغیار هستند، روزی اغیار محسوب نمی‌شوند. اگر اغیار تبدیل‌ما به مشوند و مطالبات خود را از طریق هویت‌های جمعی دنبال کنند، مجبورند این خواسته‌ها را از طریق شخصی دنبال کنند. یعنی جامعه به‌صورت سیستماتیک هل داده می‌شود که به‌دنبال خوشبختی باشد اما این خوشبختی را انفرادی دنبال کند و بخواهد. جزء دوم پاسخ را باید در روان‌شناسی اجتماعی نخبگان طبقه سیاسی مسلط جست‌وجو کرد. بسیاری از افرادی که در دهه‌های اخیر در مناصب گوناگون قرار داشتند، اغلب افراد انقلابی بوده‌اند که بخش از عمر خود را صرف انقلاب یا جنگ کرده‌اند و برای تأمین منافع عمومی، فارغ از اینکه این منافع چه باشند، هزینه‌های شخصی پرداخته‌اند. این افراد عمری در فعالیت‌های انقلابی هزینه داده‌اند و حالا پس از سال‌ها به دلیل نرسیدن به آن آرمان‌ها دچار سرخوردگی شده‌اند و حالا به‌دنبال تأمین منافع شخصی خود هستند. کوینی تصمیم گرفته‌اند در روبه پیشین خود تجدیدنظر کنند و با خود بگویند: تو به‌دنبال منافع شخصی‌ات باش، دستی نامرئی منافع عمومی را برآورده خواهد کرد. جزء سوم آن پاسخ جامع را نیز باید در حوزه اخلاقیات فردگرایانه جست‌وجو کرد. در این حوزه نیز شاهد اشاعه سیستماتیک اخلاقیات فردگرایانه هستیم. یعنی به جامعه گفته می‌شود تو به فکر منافع شخصی‌ات باش. بنابراین در ایران امروز، فساد اقتصادی یک معضل نیست، معضلی با مسئله چیزی است که حداقل در عالم خیال بنسوان برای آن راه‌حلی پیدا کردیم. ما در ایران شاهد فساد به‌صورت یک مشکل نیستیم. در ایران، فساد جلوه‌ای از یک تناقض در ساختارهاست. مادامی که فضای سیاسی ما دموکراتیک نشود و مادامی که اخلاقیات فردگرایانه که محصول یک پروژه سیاسی است، از بین نرود، در ایران امکان مهار فساد اقتصادی وجود ندارد.

چالش معیشتی در بودجه ۹۸

۷ هزار میلیارد تومان اعتبار برای رفع فقر مطلق در بودجه ۹۸ پیش‌بینی شد

جامعه باشد و تور ایمنی در روزهای اقتصاد رکود تورمی و تحریمی برای طبقات پایین درآمدی باشد.

سقف بودجه ۴۱/۵ درصد رشد کرد

جزئیات ارقام کلان بودجه که برای اولین‌بار منتشر شد، نشان می‌دهد سقف کل بودجه سال ۱۳۹۸ کشور با ۴۱.۵ درصد رشد به ۱۷هزار ۳۰۰ هزار میلیارد ریال رسیده است. بیشترین نقش را در کل بودجه، منابع شرکت‌های دولتی، بانک‌ها و مؤسسات بازی می‌کنند. بودجه شرکت‌ها با ۵۲ درصد افزایش برای سال آینده رویه‌رو است که به نظر می‌رسد، علت اصلی آن نوسان ارزی باشد. درآمد اختصاصی دستگاه‌ها نیز با بیش از ۲۴ درصد رشد به رقم چهارهزارو ۳۳۷ میلیارد ریال رسیده است. منابع بودجه عمومی که شامل منابع عمومی و درآمد اختصاصی می‌شود برای سال آینده پنج‌هزارو ۴۶ هزار میلیارد ریال با رشد ۱۳.۸ درصدی در نظر گرفته شد.

درآمدهای رشد کرد

براساس مستندات بودجه ۹۸ درآمد‌ها که شامل مالیات، گمرک و سایر درآمد‌هاست نسبت به مصوب سال جاری کاهش ۳.۴ درصدی دارد که بخشی از آن به درآمد گمرک و سایر درآمدها مربوط می‌شود. درآمد مالیات از ۱۱۴هزار میلیارد تومان به ۱۲۶ هزار میلیارد تومان رشد یافته است. رئیس سازمان برنامه و بودجه پیش‌تر گفته بود ۲۷ تا ۳۱تا میلیارد دلار منابع ارزی در سال ۹۸ عاید دولت می‌شود که البته باید سهم شرکت ملی نفت و صندوق توسعه ملی را از آن جدا کرد.نوبخت عنوان کرده بود حدود ۱۶ میلیارد دلار از این منابع دست دولت را می‌گیرد که در مبنای یک میلیون بشکه نفت با قیمت هر بشکه نفت ۵۴ دلاری است. از این میزان ۱۴ میلیارد دلار برای کالاهای اساسی با نرخ تسعیر چهارهزارو ۲۰۰ تومان و دو میلیارد دلار آن با نرخ نیمایی محاسبه می‌شود، بنابراین نرخ مؤثر محاسباتی پنج‌هزارو ۷۰۰ تومان خواهد بود.

درآمدهای نفتی در کانال سقوط

با این ارقام البته واگذاری دارایی‌های سرمایه‌ای که بخش عمده آن فروش

سیاست‌های پس از جنگ تنولیر بیستی بوده‌اند

حسین راغفر، اقتصاددان، ریشه اصلی فساد را باید در نابرابری‌های ناموجه و ساختاری جست‌وجو کرد. وقتی جنگ تمام شد، اقتصاد ایران با ۳۰ درصد ظرفیت خودش کار می‌کرد و عده‌ای علت آن ۷۰ درصد ناکارآمدی را دولتی‌بودن اقتصاد اعلام کردند و راه‌حل آن را هم بازاریاری خواندند و در سه دهه گذشته این روش دنبال شده است. این تفکر حاکم بر اقتصاد کشور همان تنولیرالیسم است. تنولیرالیسم ادامه لیبرالیسم نیست بلکه یک پروژه جهانی برای کنترل دنیاست. پس از جنگ یارانه‌ها به‌تدریج حذف شدند، دستمزدها متناسب با هزینه‌ها رشد نکردند، خصوصی‌سازی‌ها انجام گرفت و همه اینها به اسم برخورد با فساد انجام گرفت که دولتی خوانده شده بود اما در عمل نه‌تنها این راهکارها به کنترل فساد منجر نشد بلکه نابرابری را در جامعه ما تشدید کرد. در دهه ۸۰ ما شاهد رشد بانک‌ها و مؤسسات مالی نیز بودیم که اینها نیز منشأ بسیاری از نابرابری‌ها شدند. رشد نابرابری‌ها باعث رشد بددلی و کینه در دل قربانیان می‌شود. این قربانیان برندگان را به چشم دشمن نگاه می‌کنند و این باعث می‌شود جامعه نتواند احساس وحدت و همدلی داشته باشد. گروه‌های که حتی متعلق به یک طبقه یعنی طبقه متوسط هستند، نسبت به هم نگاه بدبینانه متعلق به جامعه از هم گسسته شده که همه اینها حاصل همان نابرابری‌هاست. در مواجهه با پدیده فساد سه پارادایم مشخص وجود دارد. یکی از آنها پارادایم نوسازی است، دیگری پارادایم اقتصادی است و پارادایم آخر نیز سیاسی است. هر سه پارادایم یک الگوی آرمانی را مطرح می‌کنند و فاصله موجود با آن را فساد می‌نامند. برای مثال در الگوی پارادایم نوسازی وبری، رشوه، نمونه‌ای از فساد است. در پارادایم اقتصادی بازار آزاد را الگوی مسلط قرار می‌دهند و هرگونه رانت و انحصار را مظهر فساد می‌دانند. در پارادایم سیاسی نیز هرگونه عاملی که حق مشارکت را بگیرد و گروه‌هایی را از مشارکت در جامعه دور کند، فساد می‌نامند. هرکدام از این عوامل می‌توانند سهمی در تعریف فساد داشته باشند اما هیچ‌کدام از این سه، به عامل اصلی فساد یعنی رابطه قدرت اشاره نمی‌کنند. برای مثال شیوه توزیع درآمد‌های نفتی یا ارائه تسهیلات بانکی به افراد مختلف با شیوه و میزان دریافت مالیات یا معافیت‌های مالیاتی، همگی رویکردهای نابرابر‌ساز در ایران هستند. فساد به طور ذاتی یک هسته ذاتی ندارد و عامل نابسانمانی‌ها نیست بلکه محصول نابسانمانی‌ها است که خودش بعد از به‌وجودآمدن نابسانمانی‌ها و فسادهای دیگری می‌سازد که به قول معروف می‌گویند فساد فساد می‌زاید و در همه اینها قدرت نقش اصلی را بازی می‌کند. اصلاً این تعریف که فساد یعنی استفاده از منابع عمومی برای منافع شخصی ایراد دارد؛ چون فساد بخش خصوصی را ناپدید می‌گیرد. تصمیماتی که امروز در نظام بانکی ما گرفته می‌شود و اتفاقاتی در پتروشیمی‌ها، خودروسازی‌ها و صنایع دیگر که همگی بخش خصوصی خوانده می‌شوند، می‌افتد همگی مظاهر فساد بخش خصوصی هستند. بنابراین می‌توانم بگویم نظام تصمیم‌گیری ما نه به بخش منافع عمومی، بلکه برای حفظ وضع موجود که تأمین‌کننده منافع یک اقلیت برخوردار است، تصمیم‌گیری می‌کند.

راهکاری برای مبارزه با فساد نداریم

ابراهیم حاجیانی، معاون مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری؛ اگر بخواهیم اراده سیاسی در مبارزه با فساد را در کشورمان تحلیل کنیم؛ در بخش مطالبات در شرایط خوبی هستیم اما در بخش راهکار و روند مبارزه با فساد همچنان دچار مشکل هستیم. اول باید بگوییم فساد ذاتاً نظاممند است. ویژگی اصلی فساد شبکه‌ای‌بودن آن است و سلسله‌مراتب و سازماندهی دارد. این شبکه‌ها همچنین تا تحقق کامل هدف فعالیت می‌کنند. البته این بررسی نباید موجب یأس شده و همچنین نباید نادیده گرفته شود. همه عناصر موجود در شبکه فساد در سطح بالاتری به هم پیوند می‌خورند و نظاممند است. صحبت درخصوص فساد باید مبتنی بر دانش باشد که در غیر این صورت احساسی می‌شود. مفهوم اراده سیاسی اینجاست مطرح می‌شود که با فساد نظاممند و تودرتویی مواجه هستیم. در ادبیات سیاسی دو، سه پارامتر برای سنجش اراده سیاسی مطرح می‌شود که چند بهم مهم دارد؛ یکی مطالبه و درخواست است، یعنی کسب اراده سیاسی دارد که به‌صورت فعال عمل کند و نه منفعل و قبل از آنکه رسانه و نخبگان بپردازند، پیشاپیش آنها حرکت کند و بعد تبدیل این مطالبه به جریان مبارزه با فساد باشد. همچنین اگر آنها که تدبیر می‌کنند، راهکارها و تکنیک‌ها برای شناسایی فساد را مورد نظر قرار ندهند، دچار مشکل می‌شوند. بعد بعدی نیز تعهد است تا این راهکارها تبدیل به کار اجرایی و قانون شوند که البته این مسئله در کشور ما با تأخیر مواجه است و نظام حقوقی همواره عقب است و به دنبال پدیده‌ها در حال دوندگی است.

ادامه در صفحه ۱۵

خبر

تکذیب خروج هندی‌ها از چابهار به بهانه ناامنی

● معاون امور دریایی سازمان بنادر و دریانوردی با تکذیب خروج هندی‌ها از چابهار گفت: پروژه‌های زیرساختی بندر شهید بهشتی را با قدرت ادامه می‌دهیم. هادی حق‌شناس در گفت‌وگو با مهر درباره اینکه آیا انفجار تروریستی روز پنجشنبه منجر به نگرانی سرمایه‌گذاران به‌ویژه سرمایه‌گذاران بندر چابهار نسبت به امنیت منطقه می‌شود، گفت: این انفجار تروریستی، صرفاً ترقه‌بازی در مقابل مقر نیروی انتظامی بود و ارتباطی با بندر چابهار نداشت. در سیستان و بلوچستان قبلاً هم چنین اتفاقاتی رخ داده بود و اولین‌بار نسبت به یک حادثه مشابه اتفاق می‌افتد. کمااینکه سال گذشته هم در همین استان جاده را تعدادی از اشرا رسته بودند و سپاه یا آنها برخورد کرد. معاون امور دریایی سازمان بنادر و دریانوردی با بیان اینکه در روز پنجشنبه گذشته چند پروژه معمولی افتتاح شد و این حادثه ارتباطی با این افتتاح‌ها هم نداشت، گفت: پروژه اصلی ما، بهره‌برداری از فاز اول طرح توسعه بندر شهید بهشتی با حضور رؤسای جمهور ایران و افغانستان و نخست‌وزیر هند بود که در روز افتتاح این پروژه، هیچ اتفاقی نیفتاد و همه شاهد امنیت بالای ایران بودند.

صادرات به عراق ۶۷درصد افزایش یافت

● در هشت ماه گذشته سال جاری شش‌شش‌میلیارد و ۷۵۷ میلیون دلار کالا به عراق صادر شده که از افزایش ۶۶.۵۹ درصدی نسبت به مدت مشابه سال گذشته حکایت دارد. به گزارش مهر، بررسی تازه‌ترین آمار تجارت خارجی از صادرات غیرنفتی نشان می‌دهد کشور عراق برای دومین ماه پیاپی در صدر فهرست دریافت‌کنندگان کالا از ایران قرار گرفته است. در هشت ماه گذشته امسال، ۱۴میلیون و ۲۱۶ هزار تن کالا به ارزش شش‌شش‌میلیارد و ۷۵۷ میلیون دلار به عراق صادر شده است که از نظر وزنی ۱۸.۸۹ درصد از وزن کل و از نظر ارزشی ۲۱.۴۶ درصد از ارزش کل صادرات کشور را به خود اختصاص داده است. در مدت مشابه سال گذشته هشت‌میلیون و ۵۵۶ هزار تن کالا به ارزش چهارمیلیارد و ۵۶ میلیون دلار صادر شده بود که ۱۰.۷۸ درصد از وزن کل و ۱۴.۵۵ درصد از ارزش کل را به خود اختصاص داده بود.

۱۴۴۰ میلیارد تومان صرفه‌جویی با حذف قبوض کاغذی

● وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات در سخنرانی‌ای به مناسبت «هفته ایران دیجیتالی» با اشاره به دولت الکترونیکی از صرفه‌جویی هزارو ۴۴۰ میلیارد تومانی در صورت حذف قبوض کاغذی آب، برق، گاز و تلفن خبر داد و گفت: با این صرفه‌جویی می‌توان کارهای بزرگی به نفع مردم انجام داد و ذهن مردم را باید به هدررفت این منابع حساس کرد. به گزارش مرکز روابط عمومی و اطلاع‌رسانی وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات، محمود جواد آذری‌جهرمی، وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات، در سمینار تخصصی تحول دیجیتال و صنعت مخابرات ایران صنعت IOT (اینترنت اشیا) را به‌عنوان یکی از زیرساخت‌های اساسی توسعه صنعتی کشور در حوزه ICT دانست و گفت: اگر اکنون وارد این حوزه نشویم، بازار را به دست دیگران

می‌دهیم و نمی‌توانیم این بازار را داشته باشیم. وزیر ارتباطات به تفاهم‌نامه دیگری که با وزارت نیرو در زمینه هوشمندسازی منعقد شده، اشاره کرد و گفت: پژوهشگاه ارتباطات و پژوهشگاه نیرو در این زمینه سندی را تهیه کردند و این سند در زمینه استفاده از ظرفیت‌های IOT برای تحول دیجیتال در آذربوقر نهایی شده و قرار است یکی از استان‌ها به‌عنوان پایلوت برای اجرای این تفاهم‌نامه انتخاب شود که این موضوع به‌خوبی در حال پیشرفت است و در بودجه سال ۹۸ وزارت ارتباطات و نیرو این موضوع دیده شده است. او افزود: با این طرح صنعت کنتورسازی و سنسورهای هوشمند رشد درخورتوجهی دارد. وزیر جوان کابینه دولت تدبیر و امید با اشاره به وجود ۳۰ میلیون مشترک در شرکت مخابرات، اظهار کرد: هزینه تمام‌شدن صدور هر قبض دو هزار تومان می‌شود که در سال بیش از ۳۶۰ میلیارد تومان صرفه‌جویی چاپ و صدور قبوض تلفن می‌کند و این یک قلم از دورریز هزینه‌ها می‌با به شمار می‌رود. آذری‌جهرمی تأکید کرد: زیرساخت‌های دولت الکترونیکی آماده شده است و هم‌اکنون در حالی مردم با سه کلیک کارت‌های سوخت خود را دریافت می‌کنند که ۳۳۰ میلیارد صرفه‌جویی دارد. او با بیان اینکه می‌توان ۳۶۰ میلیارد تومان در حوزه قبض تلفن صرفه‌جویی کرد، افزود: ۳۵ میلیون کنتور برق و تقریباً همین مقدار کنتور آب داریم و ۲۰ میلیون نیز کنتور گاز داریم که در شرایطی که نظام درآمدی دچار اشکال است، هزارو ۴۴۰ میلیارد تومان در سال هزینه قبض‌های خدماتی می‌شود.